

اما او به سبب اینکه تولیت صدقات فقط مختص فرزندان فاطمه سلام الله علیها است، از این کار امتناع کرد و به شام نزد عبدالملک بن مروان، خلیفه اموی، رفت. خلیفه نیز حجاج را از این کار منع کرد (مصعب بن عبدالله، ص ۴۶-۴۷؛ بلاذری؛ حسنی، همانجا؛ ابن عساکر، ج ۱۳، ص ۶۵؛ ابن عنبه، ص ۹۹).

حسن مثنی تولیت موقوفات علی علیه السلام را بعد از خود به فرزندش، عبدالله، سپرد؛ اما منصور عباسی، عبدالله را به زندان انداخت و تولیت موقوفات را خود به عهده گرفت (حسنی، ص ۳۸۳؛ محلی، ج ۲، ص ۲۳۸). هنگامی که عبدالرحمان بن محمد بن اشعث کندی بر حجاج بن یوسف شورید، قصد داشت خود را خلیفه معرفی کند، اما چون امر خلافت فقط برای فردی قریشی مورد پذیرش بود، با بزرگان علویان، یعنی علی بن حسین امام سجاد علیهما السلام و حسن مثنی برای پذیرش خلافت نامه نگاری کرد. امام سجاد علیه السلام تقاضای او را رد کرد و حسن مثنی نیز که احتمال می داد شورشیان بیعت خود را بشکنند، از این کار سر باز زد، اما در پی اصرار آنها پذیرفت و با او با عنوان خلیفه بیعت شد. عالمان مشهور عراقی چون عبدالرحمان بن ابی لیلی، شعبی، محمد بن سیرین و حسن بصری با او، که به الرضی ملقب شد، بیعت کردند (حسنی، ص ۳۸۰-۳۸۱).

پس از کشته شدن ابن اشعث در سال ۸۵، حسن مثنی نیز متواری شد و سرانجام فرستادگان ولید بن عبدالملک او را مسموم کردند و به قتل رساندند. جنازه او را به مدینه منتقل کردند و در بقیع به خاک سپردند. سن او در هنگام مرگ ۸۳ یا ۸۷ ذکر شده است (حسنی، ص ۳۸۲؛ ابن عنبه، ص ۱۰۰).

در منابع زیدیه از حسن مثنی به عنوان یکی از ائمه زیدیه یاد می شود (حسنی، ص ۳۷۹؛ محلی، ج ۲، ص ۲۳۵)، اما به گفته شیخ مفید (ج ۲، ص ۲۶)، حسن مثنی هرگز ادعای امامت نکرده و کسی نیز به نام او چنین ادعایی ننموده است. فرزندان ذکور او از فاطمه (دختر امام حسین علیه السلام) عبارت اند از: عبدالله محض، ابراهیم عمر و حسن مثلث، که هر سه در زندان ابوجعفر منصور، خلیفه عباسی، درگذشتند (ابن سعد، ج ۵، ص ۳۱۹؛ بلاذری، ج ۲، ص ۴۰۳-۴۰۴؛ ابن عنبه، ص ۱۰۱). بعدها نوادگان او، خاصه نوادگانش از عبدالله بن حسن که خود فردی عالم و ادیب بود (ابوالفرج اصفهانی، ج ۲۱، ص ۸۵-۹۳)، چون محمد مشهور به نفس زکیه و ابراهیم مشهور به قتیل باخمری، قیامهای مهمی علیه عباسیان را رهبری کردند. حسن مثنی از پدر خود امام مجتبی و برخی دیگر روایت کرده است (ابن عساکر، ج ۱۳، ص ۶۱-۶۲).

منابع: ابن سعد (بیروت)؛ ابن طائوس، اللهورف فی قتلی الطغوف، نجف ۱۳۶۹/۱۹۵۰، چاپ است قم ۱۳۶۸ ش؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، چاپ علی شیری، بیروت ۱۴۱۵-۱۴۲۱/۱۹۹۵-۲۰۰۱؛ ابن عنبه،

William M. Sumner, ed. Naomi F. Miller and Kamyar Abdi, Los Angeles: Cotsen Institute of Archaeology, University of California, 2003; Robert H. Dyson and T. Cuyler Young, "The Solduz valley, Iran: Pisdeli Tepe", *Antiquity*, vol. 34, no. 133 (March 1960); Carol Hamlin, "Dalma Tepe", *Iran*, XIII (1975); idem, "The early second millennium ceramic assemblage of Dinkha Tepe", *ibid*, XII (1974); Paolo Emilio Pecorella and Mirjo Salvini, *Tralo Zagros el'Urmia: ricerche storiche ed archeologiche nell'Azerbaijani Iraniano*, Rome 1984; Vincent C. Pigott, "The emergence of iron use at Hasanlu", *Expedition*, *ibid*; Mary M. Voigt, *Hajji Firuz Tepe, Iran: the neolithic settlement*, Philadelphia 1983; Irene J. Winter, "The 'Hasanlu gold bowl': thirty years later", *Expedition*, *ibid*.

/ حمید خطیب شهیدی /

حسن مثنی، شهرت حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب، فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام و از بزرگان علویان. وی ابو محمد کنیه داشت (ابن عنبه، ص ۹۸). مادرش خَوَلَه بنت منظورین زنان فزاری بود (مصعب بن عبدالله، ص ۴۶؛ ابن قتیبه، ص ۱۱۲؛ طبری، ج ۵، ص ۴۶۹). خوله پس از کشته شدن همسرش، محمد بن طلحه بن عبیدالله، در جنگ جمل* (سال ۳۶)، به همسری امام حسن علیه السلام درآمد (ابن عنبه، همانجا؛ قس ابن قتیبه، همانجا). حسن مثنی روز عاشورا در واقعه کربلا حاضر بود و احمد بن ابراهیم حسنی در روایتی به نقل از ابو مخنف سن وی را در آن هنگام نوزده یا بیست سال ذکر کرده است (ص ۳۷۹؛ قس طبری (همانجا)، که گفته وی در واقعه عاشورا طفلی بوده است). وی در روز عاشورا همراه امام حسین شجاعانه جنگید و زخمی و اسیر شد. داییش، اسماء بن خارجة فزاری، وی را نجات داد. او در کوفه تحت درمان قرار گرفت و با بازیافتن سلامت خود به مدینه بازگشت (حسنی، همانجا؛ مفید، ج ۲، ص ۲۵؛ ابن طائوس، ص ۶۳) همسر او دختر عمویش، فاطمه دختر امام حسین علیه السلام، بود، امام پیش از واقعه عاشورا دختر خود را به عقد وی درآورده بود (مصعب بن عبدالله، ص ۵۱؛ حسنی، همانجا).

حسن مثنی بر اساس وصیت علی علیه السلام (مصعب بن عبدالله، ص ۴۶؛ حسنی، ص ۳۸۴) عهده دار و متولی صدقات و موقوفات امیر مؤمنان علیه السلام در مدینه بود (مصعب بن عبدالله، همانجا؛ بلاذری، ج ۲، ص ۴۰۳؛ مفید، ج ۲، ص ۲۳). هنگامی که حجاج بن یوسف ثقفی* والی مدینه بود، از حسن مثنی خواست که عمویش، عمر بن علی، را در تولیت این صدقات با خود شریک سازد، زیرا عمو و از خویشان وی است،

سهولت و آشکار بودن، در مقام توصیف و تطبیق بر مصادیق دشوار می‌نماید و به گونه دقیق قابل تعریف نیست. گروهی از حقوق‌دانان نیز برآن‌اند که حسن نیت مفهومی ثابت و مستقل ندارد و باید در هر قراردادی باتوجه به اصول و قواعد و شرایط حاکم بر آن سنجیده شود نه صرفاً در شرایط انتزاعی (جعفرزاده و سیمانی صراف، ص ۱۳۶، ۱۳۹).

اصل حسن نیت در اجرای قراردادها، که از حقوق روم باستان اقتباس شده است، در قرن پنجم و ششم / یازدهم و دوازدهم در تجارت کشورهای اروپایی نمود. بیشتری یافت و اکنون در نظام حقوقی بسیاری از کشورها، چه در گروه حقوقی نوشته^۱ چه گروه حقوقی عرفی^۲، با تفاوت در گستره کاربرد، به گونه‌ای وسیع اعمال می‌شود، از جمله در قوانین بیمه، مالیات، حقوق کار، ورشکستگی، تصرف در اموال و خرید و فروش (همان، ص ۱۴۱-۱۶۰؛ بلک، ذیل "Good faith"). بر اصل لزوم رعایت حسن نیت در اجرای قراردادها، در قوانین موضوعه بسیاری از کشورهای غربی تصریح شده است، از جمله در ماده ۲۴۲ قانون مدنی آلمان، ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه و ماده ۳۸۸ قانون مدنی یونان. این اصل در قوانین شماری از کشورهای غربی هم آمده است، از جمله در ماده ۱۴۸ قانون مدنی مصر، ماده ۱۴۹ قانون مدنی سوریه، ماده ۱۴۸ قانون مدنی لیبی و ماده ۲۲۱ قانون مدنی لبنان (س. ستهوری، ج ۱، ص ۶۲۶؛ کشوری، ص ۱۶۱).

در نظام حقوقی برخی کشورها قاعده حسن نیت، با گستره‌ای وسیع‌تر، مبنای نظریه «سوءاستفاده از حق» به شمار می‌رود؛ یعنی چنانچه شخصی در روند اعمال حقوق خود، حسن نیت را نقض کند، از حقی سوءاستفاده کرده است. از این رو، مطابق قوانین مدنی این کشورها هرگونه اعمال حق باید منطبق با مبنای حسن نیت و دور از تقلب و تزویر باشد (س. بهرامی‌احمدی، ص ۱۲۹-۱۳۲، ۲۲۵-۲۲۸).

لزوم رعایت حسن نیت در قراردادها، در اسناد بین‌المللی به‌ویژه اسناد تجاری هم مورد توجه قرار گرفته است، به گونه‌ای که امروزه اصل حسن نیت از ارزشهای تجارت بین‌الملل به‌شمار می‌رود. ماده هفتم «کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»^۳ (مصوب ۱۳۵۹ ش/ ۱۹۸۰) ناظر بر ضرورت رعایت حسن نیت در تجارت بین‌المللی است (س. تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، ج ۱، ص ۱۱۰-۱۴۳؛ جعفرزاده و سیمانی صراف، ص ۱۸۷-۱۹۸). مبنای اصل حسن نیت در قراردادهای بین‌المللی را اموری چون اخلاق و ارزشهای فطری انسانی، ضرورت‌های خاص حوزه تجارت، ارج نهادن به نظم عمومی و اقتضای ذات قرارداد

عمده‌الطالب فی انساب آل ابی طالب، چاپ محمدحسن آل طالقانی، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ ابن‌قتیه، المعارف، چاپ ثروت عکاشه، قاهره ۱۹۶۰؛ ابوالفرج اصفهانی؛ امین؛ احمدبن یحیی بلاذری، انساب‌الاشراف، چاپ محمود فردوس‌العظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰؛ احمد بن ابراهیم حسنی، المصابیح، چاپ عبدالله حوئی، صناعا؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ حمید بن احمد مَحَلّی، الحقائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیه، چاپ مرتضی بن زید محطوری حسنی، صناعا ۱۴۲۳/ ۲۰۰۲؛ مصعبین عبدالله، کتاب نسب قریش، چاپ لوی پروانسال، قاهره ۱۹۵۳؛ محمدبن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم ۱۴۱۳.

/ فریده حشمتی /

حسن نیت، اصلی حاکم بر حقوق قراردادها و حقوق بین‌الملل که در اخلاق ریشه دارد و برخی مصادیق آن در فقه نیز به کار رفته است.

معنا و تعریف. اصطلاح حسن نیت در حقوق به گونه‌های مختلف تعریف شده است: صداقت در نیت و عمل؛ فقدان اراده تقلب و کلاهبرداری و ایجاد ضرر برای طرف دیگر معامله؛ پایبندی به هدف معامله و داشتن رفتار درست و صادقانه در برابر تعهد؛ داشتن اعتقاد صادقانه به موضوعی نادرست؛ نداشتن رفتار مغایر با معیارها و ضوابط متداول در قراردادها (س. ستهوری، ج ۱، ص ۶۲۶، ۶۲۸؛ بلک^۱، ذیل "Good faith"؛ فاروقی، ص ۸۷؛ جعفرزاده و سیمانی صراف، ص ۱۳۶-۱۴۰). وجه مشترک این تعاریف، صداقت و راستی در قرارداد و ایفای وظایف قراردادی به گونه‌ای صادقانه، منصفانه و معقول است (جعفرزاده و سیمانی صراف، ص ۱۴۰-۱۴۱).

از تعاریف حقوق‌دانان درباره حسن نیت می‌توان دریافت که مفهوم حسن نیت عمدتاً ناظر بر دو جهت است: (۱) صداقت و اجتناب از خدعه و اندیشه متقلبانه، که در برابر سوء نیت قرار دارد. بر این اساس، شخصی که به سبب جهل* یا فریب خوردن (مثلاً به علت وجود نشانه‌های خارجی برخوردار بودن طرف معامله از حق تصرف)، به اشتباه و با اعتقادی صادقانه تصور کند عملش بر وفق قانون است، حسن نیت دارد و در اعمال قانون در مورد او سهل‌گیری می‌شود. (۲) داشتن رفتاری صادقانه و رعایت الگوهای متعارف در اجرای قراردادها (س. فاروقی، ص ۸۷-۸۸؛ بلک، ذیل "Bad faith" و "Good faith").

در حقوق حسن نیت در اصل، مفهومی اخلاقی است که به تدریج به علم حقوق راه یافته و نهادینه شده است. در واقع، قاعده حسن نیت یکی از نمادهای تأثیر اخلاق بر حقوق به‌شمار می‌رود. به نظر برخی حقوق‌دانان، مفهوم حسن نیت در عین

1. Black 2. civil law 3. common law

4. UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG)